

یادداشت

آیا بانک مرکزی به دنبال کاهش قیمت سکه و طلاست؟

کامیاب ابوالقاسمی

از اسفند ۱۴۰۲، بانک مرکزی عرضه سکه در مرکز مبادله را آغاز کرد. هدف از این اقدام، پاسخ به تقاضا در بازار طلا و سکه عنوان شده است. تاکنون ۲۷ حراج سکه برگزار شده است و طبق اعلام مرکز مبادله، از مجموع ۹۹۹ هزارو ۲۰۷ عدد حجم سفارش، به ۴۰۷ هزارو ۴۹۴ عدد از آنها پاسخ داده شده که این رقم تقریبا کمتر از ۵۰ درصد کل سفارشات منجر به معامله بوده است. ارزش تقریبی معاملات نیز حدود ۹.۵ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. نکته جالب اختلاف قیمت بین مرکز مبادله و بازار آزاد است.

با آغاز عرضه سکه در مرکز مبادله، این اختلاف در حدود ۱۰ درصد بوده، اما از تیرماه کاهش یافته و به‌طور میانگین به حدود پنج درصد رسیده است. کارشناسان بازار طلا انتقاداتی به این تفاوت قیمت دارند و بر این باورند که این میزان اختلاف کافی نیست. آنها معتقدند برای تخلیه حباب قیمتی در بازار، بانک مرکزی باید سکه را با قیمت پایین‌تری عرضه کند؛ زیرا این اختلاف اندک نمی‌تواند به کاهش قیمت‌ها منجر شود.

انتقاد دیگری که مطرح می‌شود، این است که بانک مرکزی دلار را با اختلاف قیمت فاحشی نسبت به بازار آزاد در سامانه نیما عرضه می‌کند. این موضوع تناقضی را ایجاد می‌کند؛ از یک سو، سکه با حباب قیمتی عرضه می‌شود و از سوی دیگر، قیمت دلار محاسبه‌شده در سکه از قیمت بازار آزاد بالاتر است. اگر بانک مرکزی قیمت بازار آزاد را می‌پذیرد، نباید صادرکنندگان را مجبور کند ارز را با قیمتی کمتر از نرخ بازار آزاد در سامانه نیما عرضه کنند. ولی آیا بانک مرکزی به دنبال کاهش قیمت سکه است؟ سیاست این نهاد در مواجهه با افزایش ناگهانی نرخ‌ها چگونه است؟

نکته اول این است که برای بانک مرکزی، کنترل نرخ دلار و سکه متفاوت است و سیاست‌های این نهاد در درجه اول بر کنترل نرخ ارز متمرکز است. کارایی این دو نوع دارایی نیز با یکدیگر متفاوت است. نقش پول شامل حفظ ارزش دارایی، عملکرد به‌عنوان کالای واسطه برای مبادلات و ارزش‌گذاری و تعیین قیمت‌هاست. درحالی‌که سکه و طلا بیشتر به‌منظور حفظ ارزش و کسب سود خریداری می‌شود. این نیز برای دولت همان تعریف پول را دارد و بر نقش کالای واسطه‌ای و ارزش‌گذاری تأکید بیشتری دارد و هدف آن جلوگیری از تبدیل‌شدن به ابزاری صرف برای حفظ ارزش است.

نکته دوم نگاه سیاست‌گذاران اقتصادی است که در سال‌های گذشته بر این اصل استوار بوده که کنترل نرخ دلار به مدیریت قیمت کمک می‌کند. به همین دلیل، تلاش‌هایی برای مهار قیمت دلار انجام شده که این اقدامات مزایا و معایبی به همراه داشته است. پایین نگه‌داشتن قیمت مصنوعی ارز منجر به ایجاد رانتی می‌شود و توجیه صادرات را در شرایط تورم بالا دشوار می‌کند. از سوی دیگر، افزایش ناگهانی نرخ ارز می‌تواند هزینه‌های تولید و نرخ تورم را به‌شدت بالا ببرد. با این حال، اگر صادرات تقویت شود، اثرات تورمی به تدریج کاهش خواهد یافت؛ این امر نیز نیازمند حمایت از صادرات و بهبود روابط خارجی است.

در سال‌های اخیر، سیاست بانک مرکزی بر کنترل نرخ دلار متمرکز بوده است؛ به‌ویژه در زمان‌هایی که دلار دچار رشد هیجانی می‌شد، مانند مهر ۱۳۹۷ و اسفند ۱۴۰۱، بانک مرکزی به‌جای ورود فوری به بازار، منتظر می‌ماند تا قیمت‌ها به حالت حبابی برسند. زمانی که خریداران عمده در نرخ‌های بالا از خرید صرف‌ظنر می‌کردند و ترس از حبابی‌بودن قیمت‌ها در میان مردم به وجود می‌آمد، بانک مرکزی با عرضه دلار وارد عمل می‌شد. این اقدام موجب کاهش ناگهانی نرخ دلار و تخلیه حباب قیمتی آن می‌شد.

با این سیاست، نه‌تنها نرخ دلار کاهش می‌یافت، بلکه دارایی‌های دیگر که تحت تأثیر رشد دلار افزایش یافته بودند نیز افت قیمت پیدا می‌کردند. این روند به ثبات نسبی بازار در کوتاه‌مدت کمک می‌کرد و در ذهن جامعه ترس ایجاد می‌کرد که در زمان افزایش قیمت‌ها، بانک مرکزی از طریق عرضه دلار به شکل تدریجی با «بشاری» وارد بازار خواهد شد.

نمونه‌ای از این عقب‌نشینی خریداران را می‌توان در چند حراج اخیر مشاهده کرد. در تیر و شهریور، زمانی که قیمت‌ها پایین‌تر بودند، در برخی حراج‌ها بالای ۳۰ هزار تقاضا ثبت می‌شد؛ اما در چند حراج گذشته که قیمت‌ها به سطح حبابی رسیده‌اند، تعداد سفارش‌ها به کمتر از سه هزار کاهش یافته است. از ابتدای سال تاکنون، سایر بازارها در رکود به سر می‌برند و افزایش قیمتی نداشته‌اند. در این مدت، دلار حدود ۱۵ درصد و سکه تقریبا ۴۵ درصد رشد قیمت داشته است. به عبارت دیگر، در حالی که بازارها در رکود بوده‌اند، تنها طلا و سکه جهش قیمتی قابل‌توجهی را تجربه کرده‌اند. دلیل این رشد، ریسک‌های ژئوپلیتیک و نوسانات صعودی اونس جهانی بوده است. در سال‌های گذشته، هم‌گرایی بین دلار بازار آزاد و سکه موجب این افزایش می‌شد و در زمان‌هایی که اونس جهانی صعودی بود، این موضوع به افزایش بیشتر طلا و سکه نسبت به دلار کمک می‌کرد. در این بازه هفت‌ماهه، انتظارات ناشی از تنش‌های منطقه‌ای بیشتر بر سکه و طلا با هدایت بانک مرکزی به‌جای دلار متمرکز شده است. این موضوع به رشد بالای این دارایی‌ها کمک کرده است. به دلیل کارکرد حفظ ارزش سکه و طلا، بانک مرکزی اقدام به کنترل بازار سکه با عرضه قیمت‌های پایین‌تر نکرده و با فروش سکه در قیمت‌های نزدیک به بازار آزاد، حجم پول در گردش را کاهش داده است.

ناباید انتظار داشت بانک مرکزی تنها نهاد مسئول در کنترل قیمت در بازار سکه و دلار باشد یا منابع خارجی خود را با نرخی پایین‌تر از بازار عرضه کند. حتی اگر این اقدام در کوتاه‌مدت مؤثر باشد، در بلندمدت منجر به ایجاد رانت و بازار سیاه خواهد شد. در زمان‌هایی که انتظارات تورمی بالاست، هرچقدر عرضه با قیمت کمتری انجام شود، تقاضا نیز افزایش می‌یابد و این موضوع خود می‌تواند به افزایش دوباره قیمت‌ها منجر شود.

در مجموع به نظر می‌رسد بانک مرکزی قصد جدی برای کنترل بازار سکه و طلا ندارد و عرضه این دارایی‌ها در مرکز مبادله بیشتر جنبه‌ای روانی دارد. هدف اصلی این نهاد، جمع‌آوری و محو نقدینگی‌ای است که ممکن است به سمت بازار آزاد حرکت کند. علاوه بر این، کاهش اونس جهانی به افت قیمت طلا در داخل کشور کمک خواهد کرد و بانک مرکزی در انتظار اصلاح اونس جهانی است تا هزینه کمتری برای کاهش قیمت طلا در بازار داخلی متحمل شود. با این حال، باید در نظر داشت که افزایش قیمت طلا در بازار و طلا منجر به کاهش ارزش پول ملی می‌شود و به‌طور غیرمستقیم بر تورم اثر می‌گذارد. این روند همچنین باعث کاهش اعتماد به سیاست‌گذار پولی است. از سوی دیگر، با بالارفتن قیمت سکه و طلا و در عین حال سرکوب قیمت دلار، مردم به مرور زمان و به دلیل عقب‌ماندن نرخ ارز، سعی خواهند کرد دارایی‌های خود را از سکه و طلا به دلار تبدیل کنند که این خود تقاضا برای دلار را افزایش خواهد داد.

در نهایت، شایان ذکر است که دولت‌ها به دلیل ماهیت مصرفی مسکن و خودرو و همچنین تأثیر تورمی نرخ ارز، تمایل به کنترل و سرکوب قیمت این دارایی‌ها دارند. اما چنین تمایلی درباره سکه، به دلیل کارکرد آن در حفظ ارزش، کمتر دیده می‌شود.

شرق: اقتصاد ایران به نقطه‌ای رسیده است که دیگر نمی‌توان برای آن نسخه‌های پیچیده؛ چراکه نه‌تنها نااطمینانی و ریسک به سطح نامعمولی رسیده، بلکه اعتماد بخش زیادی از مردم به درمان وضعیت از بین رفته است. این نکاتی است که محسن رنانی، اقتصاددان، در نشست انجمن اقتصاد ایران با مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران مطرح می‌کند. این نشست با موضوع «دولت چهاردهم؛ چالش‌ها و افق پیش‌رو» روز چهارشنبه برگزار شد و این اقتصاددان به طرح چالش‌های اساسی اقتصاد و توسعه کشور پرداخت و تأکید کرد که ساختار حکمرانی برای حل این چالش‌ها زمان زیادی ندارد و باید جامعه به وفاقی برسد که منجر به افق شود.

محسن رنانی، اقتصاددان، در این نشست به وضعیت پیچیده اقتصاد کشور اشاره کرده و گفت: «اقتصاد ایران وارد شرایطی شده است که نمی‌شود برایش نسخه نوشت و دیگر نسخه اقتصادی جواب نمی‌دهد. قبلا در سخنرانی‌های خود گفته‌ام که زمانی مشکل اقتصاد ایران اقتصادی بود، بعد از مدتی مشکل سیاسی شد و امروز مشکل روان‌شناختی است و تا گروه‌های روان‌شناختی و بعد سیاسی در اقتصاد ایران حل نشود، اقتصاد کشور قابل سیاست‌گذاری نیست و سیاست‌گذاری‌ها شکست می‌خورند». او در ادامه توضیح داد: «نسخه وقتی جواب می‌دهد که بیمار به پزشک اعتماد داشته باشد؛ چون اگر اعتماد نداشته باشد، به نسخه عمل نمی‌کند. حالا هرچه پزشک پژوهش کند و مقاله بنویسد تا بیمار را قانع کند، درمان اتفاق نمی‌افتد. ضمن اینکه بیمار باید شرایط زیست مناسب داشته باشد؛ مثلا به دور از آلودگی باشد، ویتامین و غذای کافی دریافت کند. استرس نداشته باشد، پزشک در فروش دارو منافع نداشته باشد و اگر پزشک در فروش دارو منافع داشته باشد، داروی نامناسب اما گران‌قیمت به بیمار می‌دهد و… اگر این مقدمات نباشد، بیماری درمان نمی‌شود. حالا در اقتصادی که سیاست‌گذار رانت دارد، گروه‌های نفوذ و گروه‌های ذی‌نفع در دستگاه سیاست‌گذاری نفوذ دارند، شما می‌خواهید چه نسخه‌ای برای اقتصاد کشور بنویسید؟»

این اقتصاددان همچنین گفت: «من اعتقاد دارم نسخه جواب نمی‌دهد؛ چون نه بیمار عزم آن دارد که خوب شود، چراکه بخش خصوصی به رانت عادت کرده است و با رانت زنده است و نه سیاست‌گذار قصد درمان دارد. از آن سو سیاستی که اجرایشدن نباشد، هزینه‌هایش را به جای می‌گذارد و منافی نمی‌بخشد. مثل سند چشم‌انداز ۲۰ساله که هزینه‌هایش را تحمیل کرد؛ تورم خلق کرد، اما فقط ۱۵ درصد آن محقق شد.»

رنانی با اشاره به اینکه اقتصاد کشور از دانش اقتصاد پیروی نمی‌کند، تأکید کرد: «اصلی‌ترین معیار علم اقتصاد عقلانیت است و اقتصاد ایران مدت‌هاست از عقلانیت خارج شده و دیگر تابع عقلانیت نیست. بایه‌عنوان مثال فرض علم اقتصاد این است که هزینه مبادله یا صفر است یا ناچیز. من برآوردم این است که

بازتاب

پاسخ سازمان غذا و دارو به گزارش «شرق»

سازمان غذا و دارو در واکنش به گزارش «شرق» منتشرشده با عنوان «بیراهه اقتصاد سلامت»، در تاریخ ۷ آبان‌ماه ۱۴۰۳ پاسخی را ارسال کرده است که در ادامه می‌آید:

- تأمین دارو و تجهیزات پزشکی:** سازمان غذا و دارو با پیش مداوم زنجیره تولید و توزیع داروها و تجهیزات پزشکی، تلاش می‌کند دسترسی بیماران به این محصولات را تسهیل نماید. برای جلوگیری از کمبودها، برنامه‌ریزی لازم برای تخصیص ارز و مدیریت منابع به‌موقع انجام شده است. طرح «دوربار» نیز به‌عنوان گامی مهم در راستای تأمین دارو و کاهش فشار مالی بیماران اجرائی شده است.
- تقویت پوشش بیمه‌ای:** موضوع تقویت بیمه، مسئله‌ای فراسازمانی است که نیاز به همکاری و هماهنگی نهادهای مختلف دارد. سازمان غذا و دارو ضمن همکاری با سازمان‌های بیمه‌گر و دستگاه‌های مرتبط، بر این باور است که پوشش بیمه‌ای گسترده‌تر به کاهش بار مالی بیماران کمک شایانی خواهد کرد.
- تقویت تولید داخلی:** سازمان غذا و دارو بر اهمیت حمایت از تولیدکنندگان داخلی تأکید دارد و از طریق نظارت بر کیفیت و رعایت استانداردها، به ارتقای تولیدات داخلی کمک می‌کند. هدف این اقدامات تقویت توان داخلی برای رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی است.
- مبارزه با قاچاق دارو:** در راستای مقابله با قاچاق دارو و تجهیزات پزشکی، سازمان غذا و دارو با همکاری نهادهای قضائی و انتظامی اقداماتی مؤثر به انجام رسانده است. سامانه تیکت (TTAC) نیز برای رصد دقیق زنجیره تأمین و توزیع داروها ایجاد شده است و به‌عنوان ابزاری برای افزایش شفافیت و کاهش قاچاق عمل می‌کند.
- بهبود فرایندها و تفویض اختیار:** سازمان غذا و دارو در جهت کاهش بوروکراسی و بهبود فرایندهای اجرائی، گام‌های مؤثری برداشته است. ازجمله این اقدامات، تفویض اختیار به معاونت‌های غذا و دارو در دانشگاه‌های علوم‌پزشکی کشور بوده که این امر باعث تسریع در تصمیم‌گیری‌ها و بهبود پاسخ‌گویی به نیازهای محلی شده است. همچنین سازمان تلاش دارد ساختارهای مدیریتی و نظارتی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که تأخیرهای غیرضروری کاهش یابد و خدمات مؤثرتری به بیماران ارائه شود.
- نیاز به حمایت اجرائی و بذیرش نهادها** **در نظرگرفتن محدودیت‌ها:** بسیاری از اقدامات و برنامه‌های سازمان غذا و دارو نیاز به پشتوانه اجرائی در سطوح بالای مدیریتی کشور دارند تا به‌طور کامل اجرا شوند. سازمان همواره پذیرای نظرات، نقدها و پیشنهادات سازنده از سوی فعالان حوزه سلامت است؛ با این حال، باید توجه داشت که محدودیت‌ها و چالش‌های کلی کشور نیز در این مسیر تأثیرگذارند و ایسن محدودیت‌ها بر روند اجرائی اقدامات اثرگذار خواهند بود.

در نهایت، سازمان غذا و دارو آمادگی دارد که با همکاری همه نهادهای ذی‌ربط و فعالان حوزه سلامت، به ارتقای کیفیت و دسترسی به خدمات و محصولات سلامت در کشور کمک نماید.

محسن رنانی، اقتصاددان، تأکید می‌کند که اقتصاد و توسعه کشور وارد شرایط بغرنج و پیچیده‌ای شده است

و حکمرانی چاره‌ای جز جلب اعتماد عمومی ندارد

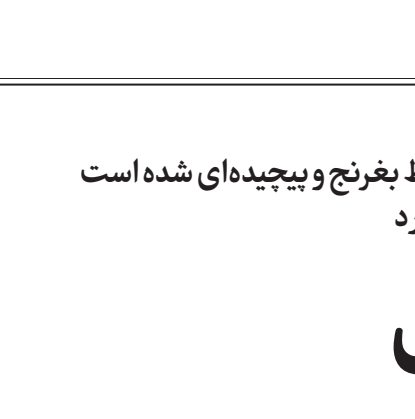
وفاق به شرط افق



هزینه مبادله در ایران بین ۴۰ تا ۵۰ درصد است یا علم اقتصاد متعلق به جامعه‌ای با روحیه کارمندی نیست. علم اقتصاد متعلق به جامعه‌ای است که عقلانیتش کار می‌کند». این اقتصاددان در ادامه توضیح داد: «البته مفهوم هوش با عقلانیت متفاوت است، من کاری ندارم که برخی مطالعات حاکی از آن است که ضریب هوشی ایرانیان نزدیک به متوسط جهانی است، حرف من این است که ضریب هوشی وقتی ارزش دارد که به عقلانیت تبدیل شود. ممکن است ملتی با ضریب هوشی متوسط بتواند ۸۰ درصد این توان را به عقلانیت تبدیل کند و ممکن است ملتی هم با ضریب هوشی بالا نتواند هوش خود را به عقلانیت تبدیل کند. مهم توانایی تبدیل ضریب هوشی به عقلانیت است و اصلا توسعه‌عه یعنی توانایی یک ملت در تبدیل ضریب هوشی به عقلانیت. توسعه‌عه یعنی تبدیل تواناییی یک ملت به مهارت. ایرانی‌ها عاقل هستند و عقل دارند، هوش هم دارند ولی امکان تبدیل هوش به عقلانیت را ندارند و زمینه برای آنها فراهم نیست».

نااطمینانی به سطح نامعول رسیده است

رنانی با اشاره به ضریب بالای نااطمینانی در اقتصاد کشور گفت: «وضعیت کشور به نقطه‌ای رسیده که سرمایه‌گذار با ریسک کار نامعوم مواجه است. در جبرین که ریسک معوم وجود دارد، عقلانیت رهاکارهایی برای عبور از نظر می‌گیرد اما درحال‌حاضر سرمایه‌گذار احتمال می‌دهد که یک مرتبه موشک روی کارخانه آوار شود یا فرونشستت زمین کارخانه را ببлед یا ناگهان آشوب درست شود و عده‌ای بریزند به یک دلیل کارخانه را آتش برزند. در این شرایط نااطمینانی نامعوم اصلا امکان تصمیم‌گیری عقلانی وجود ندارد و در این شرایط پرونده عقل ابزاری بسته می‌شود و پرونده عقل معنایی باز می‌شود. به همین دلیل است که در یک نظرخواهی که تعداد زیادی کارآفرین در آن شرکت داشته‌اند، ۹۰ درصد پاسخ می‌دهند که به آینده اقتصاد ایران امیدی ندارند». او همچنین ادامه داد: «برجام وقتی شکست خورد که وارد شرایط نااطمینانی پیچیده شد. بعد از شکست برجام بخش اعظمی از روندهای بهبود که در ۳۰ سال قبل آغاز



شده بود، نزولی شده است. ما الان در شاخص‌های توسعه در منطقه هشدار هستیم، یعنی در منطقه خطر داریم و اگر شما فرایند توسعه را شش مرحله در نظر بگیرید، ایران در منطقه یک پله مانده به کف است». این اقتصاددان با اشاره به اینکه دولت چهاردهم میراث‌دار ناکارآمدی مدیریتی در دولت‌های گذشته است، گفت: قصور این روند رو به زوال را نمی‌توان تنها بر گردن دولت خاصی انداخت، بلکه این روند یک روند تاریخی است. رنانی ادامه داد: «موفقیت سیاست‌گذار در این شرایط بسیار سخت و دشوار است. حالا آقای بزشکیان شعار وفاق را مطرح کرده است و باید از ایشان پرسید که منظور از وفاق چیست و بنا است با چه فرایندی ایجاد بشود؟ در مجموع باید بگویم اگر وفاق به افق نینجامد، بی‌سرانجام است و ما زمانی می‌توانیم بگویم وفاق که به افق منجر شود؛ یعنی اینکه سطوح عالی سیاسی توافق کنند که با جامعه وفاق کنند. در‌حال‌حاضر که هیچ نشانه‌ای از وفاق در جامعه دیده نمی‌شود و اگر ما نتوانیم با جامعه به وفاق برسیم، نمی‌توانیم افقی را خلق کنیم. اگر دولت می‌خواهد افق خلق شود، باید گام بعدی را بردارد و وفاق را به سطح جامعه گسترش بدهد و مثلا تکلیف مردم را روشن کند که مردم شهروند ایرانی هستند یا نه؟ اگر شهروند ایرانی هستند، حقوق مسلم آنها را در قانون اساسی محترم بشماریم و دست از خودی یا ناخودی برداریم. باید پاسخ بدهیم که بالاخره هفت، هشت میلیون ایرانی خارج از کشور حقوقی از زادگاه خود دارند یا نه؟ و… بنابراین وفاق وقتی نتیجه می‌دهد که به افق نینجامد و افق وقتی پدیدار می‌شود که وفاق از سطح سیاسی به سطح جامعه منتقل شود. آقای بزشکیان باید از سطح شعار عبور کند و بگوید که قرار است با چه کسانی وفاق ایجاد کند و با چه سازوکاری؟». او در پایان تأکید کرد: «در شرایط فعلی در بخش‌های مختلف، کشور از مرحله چالش و بحران گذشته و وارد ابربحران شده است. ما در بنزین شرایطی فاجعه‌بار داریم، در آب وارد شرایط فاجعه‌بار شده‌ایم، در حوادث غیرمترقبه مانند زلزله وارد شرایط فاجعه‌بار شده‌ایم و… که مدیریت این شرایط بسیار دشوار است. من فکر می‌کنم که حملات متقابل ایران و اسرائیل به خاک یکدیگر بزرگ‌ترین بحران سیاسی بعد از انقلاب بود که به نظر من این اتفاق از جنگ با عراق مهم‌تر بود، اما ما می‌بینیم که در بزرگ‌ترین بحران سیاسی و امنیتی بعد از انقلاب دلار تنها ۱۰ درصد افزایش قیمت را تجربه می‌کند و این از نظر من معجزه است. این معجزه، معجزه پزشکیان نیست، معجزه نظام نیست، معجزه چیست؟ اعتمادی است که هنوز مردم بعد از انتخابات چهاردهم دارند. هنوز امیدشان ناامید نشده است و اگر این امید ناامید شد، جنگ‌های کوچک‌تر از تنش با اسرائیل قیمت دلار را جهش خواهد داد. بنابراین ساختار حکمرانی فرصت زیادی ندارد و فرصت محدود است برای اینکه وفاق را تبدیل به افق کند و بدون وفاق واقعی ساختار حکمرانی نمی‌تواند از بحران‌ها عبور کند.»

نگاه

اثر قاچاق لوازم خانگی بر سلامت روان مردم

جلیل حاجی حسینی

قاچاق لوازم خانگی یکی از معضلات اقتصادی و اجتماعی است که تأثیرات عمیقی بر سلامت روان مردم دارد. این پدیده نه‌تنها به اقتصاد کشور آسیب می‌زند، بلکه می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت روانی افراد جامعه تأثیر بگذارد. در ادامه به بررسی این اثرات می‌پردازیم.

۱. تأثیرات اقتصادی

قاچاق لوازم خانگی باعث ایجاد نوسانات در بازار و افزایش قیمت‌ها می‌شود. این نوسانات می‌تواند منجر به عدم ثبات اقتصادی و افزایش فشار مالی بر خانواده‌ها شود. فشار مالی و نگرانی از تأمین نیازهای اساسی زندگی می‌تواند به بروز اضطراب و افسردگی در افراد منجر شود.

۲. کاهش کیفیت زندگی

لوازم خانگی قاچاق معمولا از کیفیت پایین‌تری نسبت به محصولات قانونی برخوردارند. استفاده از این لوازم می‌تواند به بروز مشکلات فنی و ایمنی منجر شود که خود باعث افزایش استرس و نگرانی در خانواده‌ها می‌شود. برای مثال، خرابی مکرر لوازم خانگی می‌تواند مانع و انرژی زیادی را از افراد بگیرد و بر کیفیت زندگی آنها تأثیر منفی بگذارد.

۳. احساس ناامنی و بی‌اعتمادی

قاچاق کالاها می‌تواند احساس ناامنی و بی‌اعتمادی را در جامعه افزایش دهد. وقتی مردم متوجه می‌شوند کالاهای قاچاق ممکن است از نظر کیفیت و ایمنی قابل اعتماد نباشند، این احساس ناامنی می‌تواند به اضطراب و نگرانی‌های روانی منجر شود. همچنین بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و اقتصادی نیز می‌تواند باعث کاهش سلامت روانی افراد شود.

۴. تأثیر بر روابط اجتماعی

قاچاق لوازم خانگی می‌تواند تنش‌ها و اختلاف‌ها را در خانواده‌ها و جامعه به همراه داشته باشد. فشارهای مالی و نگرانی‌های ناشی از استفاده از کالاهای قاچاق می‌تواند روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد و عاملی برای مشکلات ارتباطی و اجتماعی محسوب شود. این مشکلات می‌توانند به احساس تنهایی و انزوا در افراد منجر شوند.

۵. تأثیر بر سلامت جسمی

استرس و اضطراب ناشی از قاچاق لوازم خانگی می‌تواند به بروز مشکلات جسمی نیز منجر شود. تحقیقات نشان داده‌اند استرس مزمن می‌تواند به بروز بیماری‌های مختلفی ازجمله بیماری‌های قلبی، دیابت و اختلالات گوارشی منجر شود؛ بنابراین سلامت روان و سلامت جسمی به‌طور مستقیم با یکدیگر مرتبط هستند.

نتیجه‌گیری

قاچاق لوازم خانگی نه‌تنها یک معضل اقتصادی است، بلکه تأثیرات عمیقی بر سلامت روان مردم دارد. از افزایش فشار مالی و کاهش کیفیت زندگی تا بروز احساس ناامنی و مشکلات اجتماعی، این پدیده می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت روانی افراد تأثیر بگذارد. برای مقابله با این معضل، نیاز به همکاری و تلاش‌های مشترک از سوی دولت، نهادهای اجتماعی و خود مردم است تا بتوانند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه کمک کنند و سلامت روان افراد را ارتقا دهند.

<p>آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره RNP-0305225-MD تحت عنوان خرید خودروی ون سقف بلند مدل D4CB</p>	<p>نوبت دوم</p>												
<p>شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد تأمین موضوع صدراالاشاره را از طریق مناقصه عمومی طبق اسناد مناقصه به تأمین کننده واجد شرایط واگذار نماید. شرکت‌های مناقصی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت WWW.IKORC.IR مراجعه نمایند.</p> <p>۱- موضوع مناقصه: الف) شرح مختصر:</p>													
<table><thead><tr><th>ردیف</th><th>شماره مناقصه</th><th>موضوع مناقصه</th><th>تعداد (دستگاه)</th><th>مبلغ بر آورد (ریال)</th><th>مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)</th></tr></thead><tbody><tr><td>۱</td><td>RNP-0305225-MD</td><td>خرید خودروی ون سقف بلند مدل D4CB</td><td>۰۱</td><td>۴۰,۰۰۰,۰۰۰/۰۰۰</td><td>۷۷۸,۰۰۰/۰۰۰</td></tr></tbody></table>	ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تعداد (دستگاه)	مبلغ بر آورد (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)	۱	RNP-0305225-MD	خرید خودروی ون سقف بلند مدل D4CB	۰۱	۴۰,۰۰۰,۰۰۰/۰۰۰	۷۷۸,۰۰۰/۰۰۰	
ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تعداد (دستگاه)	مبلغ بر آورد (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)								
۱	RNP-0305225-MD	خرید خودروی ون سقف بلند مدل D4CB	۰۱	۴۰,۰۰۰,۰۰۰/۰۰۰	۷۷۸,۰۰۰/۰۰۰								
<p>ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / چک تضمینی بانکی / چک بین بانکی / اوریزر وجه نقد</p> <p>ج) مناقصه گزار در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.</p> <p>د) کلیه اشخاصی قویلی واجد شرایط می‌توانند مطابق تاریخ های ذیل جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه نمایند و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن ، مستندات ارزیابی کیفی را در قالب لوح فشرده در مهلت مقرر به آدرس ذیل ارسال نمایند . بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته و ارسال مدارک مناقصه از سوی متقاضیان بعد از مهلت مقرر قابل پذیرش نمی باشد. پس از ارزیابی کیفی از متقاضیان تأیید شده جهت ادامه فرآیند</p>													
<p>مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.</p> <p>۳) مهلت دریافت اسناد: ۱-۳ مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی. روز پنج شنبه مورخ۱۷/۳۱۰/۱۴۰۳ ۲-۳ مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی. روز پنج شنبه مورخ۱۰/۳۱۰/۱۴۰۳ ۴) نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: آراک، کیلومتر ۱۰جاده بروجرد- دو راهی شازند- شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند - اداره تدارکات کالا- اتاق ۱۲۰ تلفن تماس: ۰۸۴-۳۳۴۴۹۲۹۰ فکس: ۰۸۶-۳۳۴۴۹۱۵۰۷</p>													
<p>روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند</p>													